

## نخل‌گردانی؛

### روایت مردمی - اجتماعی هنرمندانه از مرگ

فهیمة زارعزاده / استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس / f.zarezadeh@modares.ac.ir  
زهرا رهبرنیا / دانشیار دانشکده هنر دانشگاه الزهراء ع / z.rahbarnia@alzahra.ac.ir  
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹

#### چکیده

«نخل‌گردانی» وجهی از تاریخ دینی شیعیان را بیان می‌کند و صورت نمایشی اعتقادات مردم ایران، از رخدادی واقعی - تاریخی در حوزه حیات مرگ قدیسان دین است. بررسی‌ها در پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که اگرچه آیین نخل‌گردانی ظاهراً در اجرای مشارکتی خویش، مفهوم مرگ را به نمایش می‌گذارد، در تفسیر معنایی‌اش، نوعی مناسک گذار برای بازتولد محسوب می‌شود. چنان‌که هر ساله با به نمایش گذاردن نخل و پویا نمودن رویکردهای مذهبی اثر، در عین حال که بستری جمعی را برای مناسک اجتماعی مرگ فراهم می‌سازد، گریز از میرایی و میل به جاودانگی را در تجربه تاریخی عاشورا ارائه می‌دهد. این امر، با مهیا نمودن الگو و زمینه‌ای صورت می‌گیرد که در آن پیام هنرمند (به عنوان نشانه‌هایی نمادین) با قرارگیری در ظرفی کارکردی - آیینی، بی‌هیچ تفسیر و واسطه‌ای برای مردم فهم‌پذیر می‌گردد و آنان با حضور در فضای دایره‌ای تکیه، در مسیر این اجرا و با رمزگشایی اثر، ارزش‌ها و باورهای دینی را دریافته، تولد درونی مجددی می‌یابند.

کلیدواژه‌ها: اجرای آیینی، نخل‌گردانی، نمایش مشارکتی، نخل ماتم، هنرمند، مخاطب.

## مقدمه

مروری بر رویکردها و مباحث موجود، نشان می‌دهد که عمده‌ترین و اصلی‌ترین مرجع در باب تأثیر و تأثر، نه متون، بلکه آیین‌های زنده‌ای هستند که با بهره‌گیری از بیان‌های هنری حیات دارند و در تعاملی خلاق نگه داشته می‌شوند؛ چنان‌که در بستر خویش، سبب می‌گردند تا به خوبی اهمیت حضور آفریننده و مخاطبان اثر هنری برای فهم «معنای کامل و حقیقی» و پویایی‌اش در طی تاریخ و در ارتباط با «واقعی‌تری زنده» دریافت شود. اجرای ادواری آیین نخل‌گردانی نیز که همواره و هر ساله تولد نخل ماتم را به عنوان اثر هنری جدید در کنار بیان و ادراک دیگری از مفاهیم معنوی دربردارد، فرض پژوهش را بر آن می‌گذارد که متأثر از حیات تعاملات میان مردم به مثابه مخاطبان و هنرمند نخل‌بند، روایتی از مرگ را عرضه می‌کند. چنان‌که تحلیل نحوه این عرضه، بدون توجه به آن تعاملات و بازشناسی ارزش‌ها و باورهای دینی - آیینی‌اش امکان‌پذیر نیست.

بر این اساس، هرچند مشاهدات اولیه بیان‌گر تأثیر بسیار گسترده چنین آیین‌هایی در زندگی مردم و حضور گسترده و گرایش شدید آن‌ها در به نمایش گذاردن نخل ماتم در وجه خاص خودشان است، به دلایل مختلفی عموماً از حیثه پژوهش‌های اجتماعی هنر دینی خارج بوده‌اند؛ به گونه‌ای که در بحث از پیشینه پژوهش و در جست‌وجوهای اولیه، آثاری مشاهده نشد که مستقیماً به مسأله مورد نظر این نوشتار پرداخته باشند. صرفاً معدود منابعی در حیثه مورد نظر پژوهش حاضر وجود دارد و مربوط به مناسک و نمایش‌های آیینی است که در چند دسته‌بندی کلی قرار می‌گیرند:

۱. پژوهش‌های توصیفی - تاریخی؛

۲. پژوهش‌های تحلیلی - اجتماعی.

پژوهش‌های تاریخی، بیش‌تر مناسک و عزاداری‌های محرم را در وجه تاریخی‌شان وصف می‌کنند و تأکیدشان بر شناسایی و شناخت کاراکتر اینگونه آیین‌ها، چگونگی پیدایش، تحول عناصر، رشد و تکامل همه‌جانبه و بازشناخت آن‌ها بر اساس شواهد و

دلایلی است که بیانگر اعتبار معنوی این هنرهای آیینی نزد شیعیان و چگونگی پذیرش آن‌ها به عنوان درام‌هایی مقدس و ملی می‌باشد. در این زمینه، نخل‌گردانی؛ نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان (۱۳۸۱) نوشته علی بلوک باشی، از نمونه کارهای بسیار مهم است. وی در این کتاب، به رسم تابوت‌گردانی و انواع تابوت‌واره‌ها از جمله نخل در دسته‌های عزا پرداخته است. در ادامه، از آن‌جا که آیین‌های دینی - اسطوره‌ای دارای دو سطح معنایی آشکار و پنهان هستند، نویسنده در تحلیلی مردم‌شناختی، سطح آشکار معنا و مفهوم تابوت‌گردانی را از رفتار مردم استنتاج کرده است. دو پژوهش دیگر با عنوان‌های در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگریستن (۱۳۸۸)، تعزیه‌خوانی، حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی (۱۳۸۰) هستند. این کتاب‌ها نیز به وجوه مختلف کربلا، در تعزیه‌نامه‌ها و اجراهای نمایشی پرداخته‌اند. اما پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن موارد ذکر شده، به بررسی آیین نخل‌گردانی در به روایت کشیدن مفهوم مرگ از ره‌گذر تعاملات هنرمند و مخاطب نخل می‌پردازد.

در حیطه کارهای تحلیلی - اجتماعی نیز آثاری از میرچا الیاده دارای اهمیت خاصی هستند. وی در کتاب درآمدی بر اسطوره‌شناسی مرگ: جهان اسطوره‌شناسی (۳) (۱۳۷۹)، در بحث زندگی‌نامه‌های قدیس‌وار از شخصیت‌های مشهور که آنان را به موجوداتی خداگونه و سرگذشتشان را به اسطوره تبدیل می‌کند، ضمن این‌که توضیحی بودن اسطوره برایش مسلم است، کار اسطوره را بیش از توضیح می‌داند. وی معتقد است، توضیح چون وسیله‌ای محض برای هدف باززایی است؛ لذا شنیدن، خواندن و به خصوص اجرای دوباره یک اسطوره، بازگشتن به صورتی سحرآمیز و زمان آغازین هر حادثه‌ای است که اسطوره توضیح می‌دهد. اما از آن‌جا که تلاوت آیینی اسطوره‌ها مستلزم اجرای دوباره آن حادثه ازلی است، باید مخاطب این تلاوت به صورتی جادویی به «آغاز جهان» پرتاب شود که این پرتاب، بازگشت به زمان آغازین است و هدف شفابخشی‌اش از نو آغاز کردن زندگی و تولد نمادین دوباره است.

در مجموع، این تحقیقات هر کدام صرفاً بخش محدودی از موضوع پژوهش حاضر را پوشش می‌دهند. لذا برای پی بردن به نحوه روایت هنرمندان از مرگ در بستر نمایش نخل ماتم، لازم است نوعی شناخت آیینی مطرح گردد. اسناد و پژوهش‌های موجود، حاکی از آن است که در جهان اجتماعی مسلمانان، مهم‌ترین، اصلی‌ترین و مرکزی‌ترین آیین‌ها و نشانه‌ها، به عاشورا مربوط است. آیین نخل‌گردانی هم که در این روز اجرا می‌شود، بیان‌گر این است که مؤمنان برای بیان معنای عمیقی که در تجربه تاریخی عاشورا برایشان از لحاظ اجتماعی و دینی وجود دارد، از زبان، آگاهی اساطیری، فرم‌های نمادین و دیگر نشانه‌های مربوط به آن استفاده می‌کنند و این نیز طبیعی است؛ زیرا جهان سنت، فلسفه تاریخ و منشور اجتماعی‌اش را در آیین‌ها و به واسطه آن‌ها تجلی می‌دهد و اسلام نیز از این امر مستثنا نیست. لذا این طرح، بنابر ساختار کلان نظام آیینی عاشورا، مبدع آن است تا آیین نخل‌گردانی را مجموعه‌ای معرفی کند که در آن هر واحد هنری به واسطه حضور هنرمندی مردمی و مخاطبانی شریک و همراه، دلالت‌های ضمنی خود را از دست می‌دهد تا تنها یک معنایش بماند: معنایی هم‌خوان با معانی و ارزش‌های جامعه اسلامی که از یک سو محمل تجربه استعلایی و دینی از جهان زندگی و تفسیری این‌گونه از جهان و از سوی دیگر، منشوری برای مواجهه با این جهان و کنش مرگ در آن است.

### روش‌شناسی

حمل تابوت و سازوبرگ‌های تابوت‌واره هم چون: تعزیه، تابوت، حجله، شیدونه، دغدغه و شش‌گوشه در دسته‌های عزای تمام خرده‌فرهنگ‌های ایرانی - شیعی شناخته شده و معمول است. اما تابوت‌واره نخل، آداب و شیوه نخل‌بندی و رسم نخل‌گردانی، در حوزه جغرافیایی - فرهنگی گرم و خشک، در شهرها و آبادی‌های کویرنشین رواج دارد. در مناطق گوناگون از این حوزه جغرافیایی - فرهنگی، نخل با توجه به دیدگاه بومی در فرم‌های گوناگون ساخته یا بازسازی می‌شود و آگاهانه و هماهنگ با کیفیات بصری و دیدگاه‌های مختلف زیبایی‌شناسی (متناسب با ذوق و سلیقه فرهنگی مردم هر منطقه) آذین‌بندی شده، به نمایش

درمی‌آید. لذا با توجه به این پراکندگی اجتماعی و تنوع فرمیک نخل، نگارندگان یک فرم خاص از آن را که متعلق به یزد است، انتخاب نموده و حوزه میدانی پژوهش را در دو بخش تشکیل داده‌اند. بخش اول فضاهایی از عزاداری حول محور برپایی آیین نخل‌گردانی است که به طور عمیق و وسیعی در شهر یزد مطالعه شده‌اند. بخش دوم تمرکز بر آیین نخل‌گردانی مردم محله کوچه‌بیوک یزد در دهه اول محرم را دربرمی‌گیرد.

روش‌شناسی این پژوهش نیز بر مردم‌نگاری تفسیری در باب فهم آیین مردمی - اجتماعی هنرمندانه از مرگ مبتنی است. مهم‌ترین روش جمع‌آوری اطلاعات میدانی‌اش، مشاهده مشارکتی و گفت‌وگو در فضای تکایا با وسایل صوتی و تصویری است. هم‌چنین از روش اسنادی و مطالعات تاریخی نیز در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده و تفسیر داده‌ها در چارچوب سه موضع انجام گرفته است:

#### ۱. تفاسیر و تعابیر مؤمنان از این آیین

در این زمینه، بررسی پیمایشی از طریق گفت‌وگوهای مبتنی بر مرور ادبیات تحقیق در سه نوبت (مطابق با مراحل گذار در آیین مورد نظر) صورت گرفت. جمعیت نمونه با توجه به آشنایی نگارندگان، مشارکت‌کنندگان تکیه محله کوچه‌بیوک یزد (منطقه آزمون فرضیه) است. حجم نمونه با در نظر گرفتن محدودیت‌ها، بیست نفر است که از زمان شروع آماده نمودن تکیه و نخل تا پایان آیین نخل‌گردانی به عنوان هنرمند و مخاطب حضور داشتند و دارای تجربه مشارکتی و مدیریتی فراوان بودند. در روش نمونه‌گیری که به صورت تصادفی ساده انجام گرفت، ده مؤلفه موجد معنا در تعاملات میان هنرمند و مخاطب بررسی شد که عبارتند از: معنای نخل، معنای هر یک از آلات تزئینی، معنای هر وجه از نخل زینت‌یافته، احساس مشارکت، خود (شناختن خود و انگیزه‌ها)، اجتماعی (فرصت شناختن و درگیری در فعالیت‌ها)، گام بعدی (وارد شدن به هر مرحله)، جامعه‌پذیری و پیوند بین نسلی (تأثیرپذیری از نسل‌های گذشته و امروز)، نقش‌پذیری (هنرمند، مخاطب)، رهایی (گریز از موقعیت‌های پرتنش) و موضع‌های دیگر؛

۲. درک، ایمان و ذهنیت شخصی و مذهبی محققان؛

۳. صورت‌بندی‌های مفهومی و تئوریک که می‌توان دو سطح اول را ذیل مفهوم تجربه

نزدیک، و سطح سوم را ذیل عنوان تجربه دور بیان کرد.

در مجموع، تحلیل‌ها در حرکتی سیال میان این سه وجه مؤثر بر تفسیر، صورت‌بندی

شده‌اند.

### آیین‌های اجتماعی مرگ

بی‌شک بسیاری از آیین‌ها توسط انسان ماقبل تاریخ در بجه‌خه خوف و بیم وی از آثار و مظاهر طبیعت، ولادت یافتند تا همواره حادثه‌ای حیاتی و لازم برای ادامه بقایش محسوب گردند. اما در پاسخ به این‌که آیین مرگ از چه عناصر و پدیده‌هایی تشکیل یافته و چرا به اجرا درآمد، میرچا الیاده به «راه‌یابی به ابدیت» اشاره کرده و معتقد است:

آیین مرگ برای آفریدن ولادت ثانوی، تولد نمادینی را در پی دارد که عبارت است از تکرار عملی مثالی (archetypal) که نیاکان یا خدایان در آغاز تاریخ (in illo tempore) انجام داده‌اند و آدمی به یمن تجلی قداست، می‌کوشد تا پیش پا افتاده‌ترین و بی‌معناترین اعمال را «وجود شناختی» (Onticiser) کند. آیین از ره‌گذر تکرار، با «صورت مثالی اش» (Archetype) تلاقی می‌کند و مقارن می‌شود؛ زیرا زمان دنیوی، ملغی می‌گردد و انسان با تبدیل همه اعمال زیست‌شناختی‌اش به آیین مرگ، می‌کوشد تا «از مرز بگذرد» و به ماوراء زمان (صیروت)، به ابدیت راه یابد. بدین‌گونه شاهد همان کاری می‌شود که برای خدایان و نیاکان، در لحظه‌ای از زمان فجر آفرینش کیهان، انجام یافته است. (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۴۹)

به عبارتی، آیین مرگ گذار انسان به نوع برتری از هستی و از جمله این روابط است. چنان‌که در سراسر جهان سنت‌گرا، مرگ به مثابه ولادت ثانوی و سرآغاز زندگانی روحانی جدیدی تلقی می‌شود یا می‌شده است. اما این ولادت ثانوی، برخلاف نخستین ولادت، ولادت زیست‌شناختی طبیعی نیست و این بدین معناست که ولادت ثانوی، «آمدنی» نیست، بلکه با آیین‌مندی، آفریدنی است. مرگ از این لحاظ، رازآموزی و مدخل یا گذری بر نوع جدیدی از هستی محسوب می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت هر رازآموزی، اساساً نوعی مرگ نمادین است که تولدی دیگر یا گذری به رستاخیزی را در پی دارد. به نحوی که هر گذار از نوعی وجود به نوعی دیگر، الزاماً متضمن مرگ رمزی است. باید در موقعیت پیشین خویش مرد تا در وضع و حال جدید برتری، دوباره زاده شد. آرنولد وان ژنپ (Arnold Van Gennep) انسان‌شناس بلژیکی، با طرح مسأله «مناسک گذار (Rites of Passage)» به تبیین این لحظه‌ها می‌پردازد. «به عقیده وی این لحظات چنان در زندگی انسان حساس بوده‌اند که برای گذر از آن‌ها، آیین‌هایی به وجود آمده است. طی این آیین‌ها، انسان از لحظات دشواری چون مرگ عبور می‌کند. وان ژنپ در آیین گذار، سه مرحله قابل تفکیک را بیان می‌دارد: مرحله اول، مرحله گسست یا پیش‌گذار که فرد از موقعیت قبلی خود جدا می‌شود؛ مرحله دوم، مرحله گذار یعنی مرحله‌ای که فرد از حالت قبلی جدا شده، اما هنوز به موقعیت جدید وارد نشده است و مرحله سوم، مرحله پیوند دوباره یا پساگذار که در آن فرد به موقعیت یا وضعیت ثانوی خود وارد گردیده و در آن پذیرفته می‌شود». (فکوهی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۱) کارل گوستاو یونگ نیز معتقد است که مشارکت در مناسک گذار، «مشارکت در فرایند تحول و نوعی بازتولد نوزایی غیرمستقیم است. در این جا تحول به طور مستقیم و با عبور از مرگ و بازتولد مجدد شخص اتفاق نمی‌افتد، بلکه به صورت غیرمستقیم و از طریق مشارکت در فرایند تحولی محقق می‌شود که معتقد است خارج از وجود فرد اتفاق می‌افتد؛ به نحوی که فرد ناچار است شاهد برخی آیین‌ها و مراسم تحول باشد یا در آن‌ها شرکت جوید». (یونگ، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷)

## آیین اجتماعی نخل‌گردانی

نخل‌گردانی از جمله این آیین‌ها در حوزه حیات مرگ قدیسان اسلام است که هر ساله در کنار مراسم پرده‌خوانی، تعزیه‌خوانی و... در ماه محرم و در روز عاشورا برپا می‌شود. این آیین، در میان سنت‌های ایرانی با ساخت و پرداختی تاریخی - دینی، ریشه در رفتارها و مناسک آیینی کهن ایرانی دوانده و از اسطوره‌ها و داستان‌های ایرانی مایه گرفته است؛ به نحوی که نزدیک‌ترین همانندی با نخل و آیین نخل‌گردانی را در سنن ماقبل اسلامی و از جمله در آیین مربوط به سیاوش می‌توان یافت. در شرح آیین سوگ سیاوش، گزارش شده که «هر سال زرتشتیان به روین‌دژ نزدیک بخارا - جایی که سیاوش در آن جا کشته شد - می‌روند، مویه و قربان می‌کنند، خون حیوان قربان‌شده را برگور می‌ریزند و این رسم آن‌هاست». (یارشاطر، ۱۳۶۷، ص ۱۳۱) نیز در حفاری‌های خرابه‌های شهر سغدی پنجکنت، واقع در ۶۸ کیلومتری شرق سمرقند، مجموعه‌ای از نقوش روی دیوار با محتوای اصلی مربوط به سوگواری شاه‌زاده‌ای جوان مشاهده می‌شود: «نقوش روی دیوار تابوت در حال تشییع شخص جوانی را نشان می‌دهند که آدمیان و خدایان از مرگش سوگواری می‌کنند. مورخان شاه‌زاده جوان را سیاوش و خدایان را میترا و الهه آناهیتا تشخیص داده‌اند که در این سوگواری شرکت داشته و دلالت بر ذات ملکوتی سیاوش، پیش از افسانه شدن شخصیت اسطوره‌ای وی دارند. صحنه‌های مشابه بر صندوق بزرگی از توک‌کلا (Tukkala) در منتهی‌الیه شمال دلتای آمودریا و برگلدانی یافت شده در مرو نیز دیده شده‌اند. در اسطوره سیاوش ظاهراً انسان عصر باستان، با قربانی شدن موجودی ایزدی مواجه بود؛ اسطوره‌ای آشنا که مرگش تداوم‌بخش زندگی است». (همان، ص ۱۳۲) اما در دوره اسلامی که عصر نیایش قهرمانان و ایزدان اسطوره‌ای پایان یافت و حماسه قهرمانی‌های امام حسین علیه السلام و مصائب و آلام او در عاشورای کربلا بر ذهنیت جوامع اسلامی پرتو افکند، مردم این شخصیت تاریخ تشیع را به یک شخصیت ازلی و اسطوره‌ای برانزده وی تبدیل کردند و سوگ مصائبش را در آیین نخل‌گردانی به نمایش درآوردند. از آن زمان کشتار سبعمانه امام



حسین علیه السلام، به صورت یک واقعه قدسی در تاریخ مذهب شیعه آشکار گردید و نسل در نسل به تصویر و تشبیه آیینی درآمد.

از سوی دیگر، چون آیین نخل‌گردانی در بزرگ‌ترین تفاسیر مرگ به مثابه سرآغاز نوع جدیدی از هستی یک شخصیت دینی نمود می‌یابد؛ زمینه‌ساز موقعیتی می‌گردد که هم چون مناسک گذار، فرد در موقعیت زیست‌شناختی طبیعی‌اش می‌میرد و دوباره چون موجودی روحانی زاده می‌شود؛ بنابراین شناسایی آیین نخل‌گردانی، در سه مرحله ضروری است که بستر به نمایش گذاشتن نخل ماتم و زمینه‌ساز تعاملات و هم‌کاری‌های خالق آن و مخاطبان است.

## مراحل گذار در آیین نخل‌گردانی

### ۱. مرحله گسست یا پیش‌گذار

همه‌ساله برنامه‌ریزی و زمان‌بندی این آیین توسط نخل بند به مثابه هنرمندی متکی بر تعامل اجتماعی و متأثر از بازخوردهای مخاطبان، تحول و ارتقا می‌یابد. در روزهای اول ماه محرم، نخل بند در صغه مخصوص نخل که انبار نخل‌بندی در کنار آن قرار دارد، حضور می‌یابد و اسباب آرایه‌بندی نخل را آماده می‌کند. وی نمادی از هنرمند آغازگر مراحل اجرای آیین مرگ نمادین، برای ورود به مراحل بعدی است که شکل خلاقانه مرسوم را در مراسمی ادواری، مکرر می‌کند. مردم نیز به دلیل علاقه فراوانشان به امام حسین علیه السلام در تکیه حاضر می‌شوند و بر این باورند که نخل به معنای تابوت امام حسین علیه السلام است و آن‌ها این تابوت را نمادین تشییع می‌کنند. لذا همین توجیه و استدلال، متقاعدشان می‌سازد تا با اهدای نیروی کار خود، عرضه خدمت رایگان و پرداخت اعانه و نذریانه، گلاب‌افشانی کردن، بستن و تزئین تکایا، و جارو و تمیز کردن صحن این مکان‌ها برای نخل‌گردانی، زمینه‌ای آرمانی را برای توسل به نیروهای مقدس دینی فراهم کنند.

## ۲. مرحله گذار

در این مرحله، برای آماده ساختن ذهن و روان مخاطبان کثیر در برپایی آیین و به نمایش گذاشتن نخل ماتم، نشانه‌هایی به کار می‌رود که برای همه مردمی که با نخل و نخل گردانی سروکار دارند و هر ساله در پای مراسم آن می‌نشینند و در آذین‌بندی نخل کمک می‌کنند، فهم‌پذیر و شناخته‌شده است. «برای این کار، ابتدا بدنه نخل سراپا سیاه‌پوش می‌شود. آن‌گاه روی بدنه پیش و پس را با شاخه‌های گل، شمشاد، آئینه و زیورهای گوناگون آذین‌بندی می‌کنند». (بلوک باشی، ۱۳۸۱، ص ۴۵) صدها شمشیر، قمه و خنجر برهنه در دو یا سه ردیف بر یک بدنه نخل بسته می‌شود<sup>۱</sup> و سپس در میان آن‌ها، ماکتی از سرو<sup>۲</sup> جای می‌گیرد. این وجه، بیان‌گر میدان مبارزه حق و باطل است. شمشیرها نماد باطل و ستم‌گری و سرو نماد پیکر پاک امام حسین علیه السلام است. سر تیز دشنه‌ها<sup>۳</sup> یا شمشیرها که در قسمت سیاه‌پوش نصب شده، نموداری است از تیرها و زخم‌هایی که بر پیکر سرومانند حضرتش وارد گشته است. بر وجه دیگر نخل، چند آئینه بزرگ می‌بندند که نمایان‌کننده نورافشانی از پیکر امام حسین علیه السلام است.

در مجموع، اگر نخل به عنوان ترکیبی از نشانه‌های هنری گوناگون در نظر گرفته شود که هدفش بیان احساسات و حالات هنرمند، آماده نمودن مخاطب برای دگرگونی ذهنی - آرمانی و یکی شدن هنرمند و مخاطب (پیام‌رسان و پیام‌گیر) در جهت از بین بردن دیوارهایی میان مرگ و زندگی باشد (دامود، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰)، می‌توان گفت که معمولاً

۱. قدمت برخی آلات به دوره صفویه می‌رسد.

۲. پیکره چوبی سرومانندی است که شاخ و برگ‌های آن نیزه‌های کوچکی هستند که به یک‌دیگر چسبیده‌اند. این نیزه‌ها را نشانی از تیرهایی می‌انگارند که به بدن امام حسین (ع) خورده‌اند. سرو را روی سطح جبهه جلوی نخل وصل می‌کنند.

۳. همان خنجرهایی است که در اطراف سرو می‌بندند.

چندین نوع پیام از طریق نخل آذین‌بندی شده به سان یک اثر هنری - مردمی ارائه می‌شود. چنان‌که در پی برآیندی حاصل از مؤلفه‌های مورد پرسش در برداشت‌های میدانی و تجزیه و تحلیل آن‌ها نیز می‌توان پیام‌های ذیل را بیان داشت:

۱. نقل داستان؛

۲. پیام اجتماعی؛

۳. تفسیر روان‌شناختی.

ردیف	مؤلفه‌های مورد پرسش	تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ها
۱	واکاوی معنای نخل	تابوت امام حسین <small>علیه السلام</small> ، حجله قهرمانان برجسته دینی
۲	واکاوی معنای هر یک از آلات تزئینی	شمشیر، خنجر، قمه: قدرت، مقاومت و پیروزی / تیرها و زخم‌هایی بر پیکر سرومانند امام حسین <small>علیه السلام</small> ماکت سرو: پیکر پاک امام حسین <small>علیه السلام</small> / قامت علی اکبر <small>علیه السلام</small> چهارده عدد آئینه: چهارده معصوم پارچه سیاه: زدودن مرگ و تباهی از چهره قدیسان مذهبی و شهیدان تصویر شیر: دل‌جویی، استمالت و احترام به پیکر سیدالشهدا
۳	واکاوی معنای هر وجه از نخل زینت‌یافته	وجه آئینه‌بندی‌شده: نورافشانی از پیکر پاک امام حسین <small>علیه السلام</small> / آئینه‌بندی بازار شام در موقع عبور دادن اسرای کربلا وجه زینت‌یافته با آلات جنگی و ماکت سرو: جلوه‌گاه ملموس نبرد حق و باطل
۴	واکاوی احساس مشارکت	پیوند و تقویت حس هم‌بستگی و برادری در جامعه اسلامی، رستگار شدن به واسطه کمک به هم‌نوع

۵	واکاوی خود (شناختن خود و انگیزه‌ها)	تلقى جبران گنا‌هانی که در مقابل خداوند مرتکب شده است. جلب رضای خدا از طریق اجرای آیین، تقویت و تحریک روحیه اخلاقی
۶	واکاوی اجتماعی (فرصت شناختن و درگیری در فعالیت‌ها)	بازگویی آن‌چه جزء ارزش‌ها و اعتقادات خود می‌دانند و به آن پای‌بند هستند برای هنرمند، سهیم کردن خود هم از نظر موقعیت ذهنی و فکری و هم از نظر موقعیت کاری و عملی در شکل دادن به نخل ماتم و به نمایش گذاشتن آن در آیین نخل‌گردانی
۷	واکاوی گام بعدی (وارد شدن به هر مرحله)	دیدن و دریافتن آن‌چه از وقایع کربلا در پای منبر روضه‌خوانان شنیده‌اند و سایر عناصر مذهب در پای نخل آذین‌بندی شده و در آیین نخل‌گردانی
۸	واکاوی جامعه‌پذیری و پیوند بین نسلی	احترام به اجداد و نیاکان در برپایی یک آیین مرسوم دینی از یک‌سو و از سوی تقویت معرفت دینی جوانان از طریق مشارکت و دریافت کمک از آن‌ها
۹	واکاوی نقش‌پذیری (هنرمند، مخاطب)	هنرمند: فرد متدینی که در این مورد، استعداد هنری خاص هم دارد. مخاطب: عزاداران امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۰	رهایی (گریز از موقعیت‌های پرتنش)	الگو قرار دادن ائمه <small>علیهم السلام</small> در برخورد با تنش‌ها و بحران‌های عمده زندگی، تخلیه روحی به واسطه توسل به قدرت‌های والاتر

جدول ۱: یافته‌های حاصل از مؤلفه‌های مورد پرسش در آیین نخل‌گردانی، مأخذ: نگارندگان

عادی‌ترین پیام، همان است که «از تصویر داستان یا یک‌سری حوادث روز عاشورا ناشی می‌شود دربرگیرنده کنش متقابل انسانی است و هدف آن برانگیختن پاسخ‌های خاص عاطفی می‌باشد». (دابلوکولتور، ۱۳۶۹، ص ۲۷۶) ساختن نخل به مثابه تابوت تمثیلی سیدالشهدا و آیین حمل آن، روایت‌گر داستان تاریخی - مذهبی است که در مقتل‌نامه‌ها، سوگ‌چامه‌ها، روضه‌های شهادت و تعزیه‌نامه‌ها نوشته شده است. این روایت، اعتقاد به مصیبت خاندان

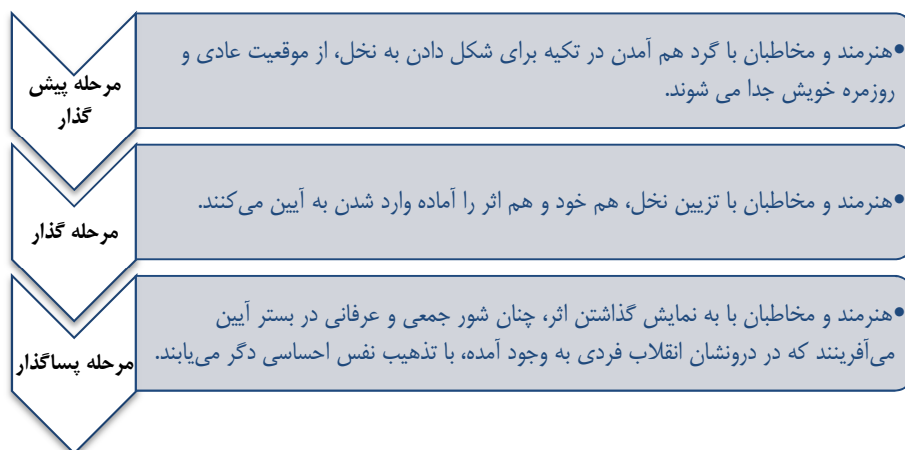
مطهر و پیام آن را تحکیم و تقویت می‌بخشد و روزه‌ای برای آزادسازی مجموعه‌ای از عواطف را فراهم می‌آورد که بارزترین آن‌ها تألم و هم‌دلی است. نکته جالب توجه آن است که در این متن‌ها، زندگی واقعی شخصیت مذهبی و نحوه شهادتش مبتنی بر گونه‌ای درک فراتاریخی برای مردم روایت می‌شود.

پیام دوم که جزیی از همان داستان‌های عاشورایی است، از بیان هنرمندانه احساسات محض و حالات صرف، پا را فراتر می‌گذارد و به صورت پیامی اجتماعی بیان می‌شود. این پیام، «پیام ایثارگری، از خودگذشتگی، حق‌جویی، انقلاب و شهادت است. نخل‌گردانی با روایت شهادت امام حسین علیه السلام و بازنمایاندن پایگاه والای شهادت، بینش شیعیان را درباره این نوع مرگ استعلا بخشیده» (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰، ص ۴۴)، روحیه شهادت‌طلبی و مرگ باافتخار را در آنان زنده و پایدار نگه می‌دارد.

پیام نوع سوم، شکلی تفسیری و روان‌شناختی به خود می‌گیرد؛ چنان‌که نمادها و نشانه‌هایی چون: آینه، شمشیر، پارچه‌های الوان و... در هر وجه نخل، نبرد میان گروهی از نیروهای اهورایی و مینوی با گروهی از نیروهای اهریمنی و شریر در قلمرو زندگی دنیوی را نشان می‌دهند و برتابنده صورت ویژه‌ای از قداست و خبثت آدمی‌زادگان بر روی زمین هستند؛ در واقع، روایت‌گر سرگذشت کشاکش‌های درونی انسان برای رسیدن به وحدت و دادن فعلیت و اعتنا به این نیروها می‌باشند. یونگ در این باره اعتقاد دارد که هر صورت مثالی، در ذات خود نه نیک است و نه بد، بلکه نیروی افسون‌کننده‌ای است که اخلاقاً بی‌اعتناست و تنها در اثنای مواجهه با خودآگاه نیک یا بد یا مجموع هر دو ضد می‌شود. از این رو در آیین نخل‌گردانی، مردم با اراده قوی و پشتکار قابل‌تحسین، می‌کوشند تا بر جنبه‌های منفی وجود خود غلبه کنند و با شرکت در سوگ سالار شهیدان، ذکر مصیبت و افشاندن اشک در ماتم شهادت او و آلام اهل‌بیتش، گرد معصیت از چهره جان‌بردارند و به آگاهی و معرفت دست یابند.

### ۳. مرحله پیوند دوباره یا پساگذار

در این مرحله از برپایی آیین نخل گردانی، مردم با هماهنگی هنرمند، نخل سیاه‌پوش آذین‌بسته را بلند می‌کنند و با آداب خاصی می‌گردانند. در برخی محلات، نخل را چند بار با فاصله زمانی متفاوت و هر بار یک تا سه دفعه در گرداگرد تکایا حرکت می‌دهند و می‌گردانند یا در بیرون از تکایا، نخل را همراه با دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن در گذرگاه‌های محله می‌برند. پس از پایان مراسم گرداندن نخل و پیش از گذاردنش در صفه‌ای که مشرف به تخت حسینیه است، آن را چند بار به دور خود می‌چرخانند و با نوای تند و پی‌درپی، دهل و سنج در صفه قرار می‌دهند و علم و بیرق‌ها را در اطرافش نصب می‌کنند. این اجرا چنان شور و غوغایی در درون مردم و هنرمند نخل بند پدید می‌آورد که سبب می‌شود تا رشته‌های پیوندشان را با زندگی دنیوی نامقدس بگسلند و با احساس تولدی مجدد و پاک‌سرشت، به فضای قدسی پررمز و رازی هدایت گردند که تجلی‌گاه روح مقدسان است. هم‌چنین با پدید آوردن وحدت در عقیده و رفتار مؤمنان درباره شهادت قهرمانان دینی، موجب می‌شود تا آنان به یک‌دیگر نزدیک‌تر و یگانه گردند.



نمودار ۱: مراحل گذار در آیین نخل گردانی، مأخذ: نگارندگان

### نتیجه

در پی برآیندی تحلیلی بر مراحل‌گذار آیین نخل‌گردانی و ملحوظ داشتن ابعاد هنری اثر، نخل ماتم، می‌توان گفت که چون نخل‌بند به عنوان پیام‌فرست - یا نمادی از هنرمند آغازین اجرای آیین - بر آن است تا ارزش‌ها و باورهای دینی مرتبط با مفهوم مرگ را از طریق نمایش اثر آیین‌بندی شده برای مخاطبان کثیرش روایت کند، لذا در تعامل و تأثیر و تأثرپذیری از آن‌ها قرار می‌گیرد تا به واسطه حضور مشارکتی‌شان «ولادت ثنوی» بیافریند. نمودار ۲ نشان‌دهنده نحوه چنین تعاملی است:

<p>تعامل هنرمند پیام‌فرست و مخاطبان پیام‌گیر در شکل نمایش مشارکتی</p>	<p>* حرکت دادن و گرداندن نخل در گردآگرد نکایا (تمثیلی از هستی انسان در چرخه‌ای از آفرینش و نابودی یا تولد و مرگ و باززایی و بازمیری) * تطهیر روح و تزکیه نفس با ذکر مصیبت و افشاندن اشک در ماتم شهادت امام حسین(ع) و آلام اهل‌بیتش * حضور در فضای دایره‌ای تکیه و ظاهر شدن به صورت شرکت‌کننده، شریک و همباز</p>
<p>تأثیر بر مخاطبان مشارکت‌کننده آیین</p>	<p>* زمینه‌سازی تفاهم میان مخاطب با نیروی ماورایی اثر * تحکیم هم‌بستگی با پدید آوردن وحدت در رفتار * القای مجموعه ارزش‌ها و ضدارزش‌ها به واسطه عناصر و تزینات نمادین نخل</p>
<p>تأثر هنرمند پیام‌فرست</p>	<p>* تشویق و تهییج احساسات زیبایی‌شناسانه به واسطه ارتباط سوگواری‌های عاشورایی و محیط اجتماعی * تأثیرپذیری از مجموعه‌ای از عقاید کهن و آداب و رسوم نیاکان * ولادت ثنوی اثر در آفریدن آن بر اساس رخدادی واقعی - تاریخی</p>

نمودار ۲: تعامل و تأثیر و تأثرات هنرمند پیام‌فرست و مخاطب پیام‌گیر در مراحل‌گذار  
مأخذ: نگارندگان

بدین ترتیب برای هنرمند و مخاطب، نقش‌ها و روابط اجتماعی در مراحل این آیین تعیین می‌شود و پیوند دوباره‌ای در جهت تقویت حس هم‌بستگی اجتماعی نیز پدید می‌آید که فرایندی قابل‌انطباق با عصر جدید را در قالبی قابل‌تعمیم به هنرهای مفهومی و مشارکتی به نمایش گذارده، سبب می‌شود نخل‌گردانی در چارچوب خاصی عمل کند و به موارد ذیل منتج شود:

- نخست آن‌که با طرح روایتی فرازمانی - فرامکانی، موجبات درک حادثه کربلا را مهیا می‌سازد. به عبارت دیگر، به واسطه عوامل نمادین، نخل شاکله مشخصی از فهم را در حیطه آگاهی مذهبی افراد ایجاد می‌کند. نخل بند به واسطه خلاقیتش، نخل ماتم را تزئین می‌کند تا برای مردم ملموس باشد و آن‌ها به چیزی و رای خود بیوندند. چنان‌که رنگ سیاه و سبز غالب در فضا به همراه حرکت بصری موج مردمی در اطراف نخل و اصوات ضرباهنگ‌دار و مهیج، به مثابه مؤثرترین و نافذترین هنر مفهومی جدید، تأثیرگذاری شگرفی دارد که قابل‌الگو برداری است.

- دوم آن‌که زندگی باعزت و متصل به غرور جمعی را معرفی می‌کند. این معرفی از طریق هدایت و رهبری عامل ارتباطی است، اما نه در هر زمان بلکه در روز عاشورا و درست زمانی که مخاطبان از خود و موقعیتشان گذر کرده و متوجه عالم قدسی شده‌اند.

- سوم آن‌که اختیار و اراده انسان در خیر و شر وجودش را نشان می‌دهد. این آیین، امکانی را برای پیروانش فراهم می‌کند که با درگیر شدن در شخصیت‌های نوعی آیین، اهورایی یا اهریمنی، بتوانند تفاوت‌ها و تمایزات خودشان و دیگران را بفهمند. حال آن‌که در باورهای مردمی مشارکت در خیر، زمینه‌های مختلفی را شامل می‌شود: زمینه‌های مادی مراسم که بانیان بر عهده می‌گیرند؛ و زمینه‌های معنوی مراسم که در حرکتی جمعی با مراحل فزاینده همراه است و تمامی مردم، هنرمند و مخاطب، ایفای نقش می‌کنند تا ابعاد لاهوتی زندگی‌شان را بر وجوه ناسوتی غلبه بخشند.



طرح روایت فرازمانی - فرامکانی

- بیان تجربه ایمانی - تاریخی تشیع از حادثه کربلا از بطن نشانه‌های نمادین
- به نمایش گذاشتن فاجعه جان‌گداز کربلا

زندگی با عزت و متصل به غرور جمعی

- تقویت و استعلا‌ی بیش شهادت و زندگی با عزت
- سرآغاز زندگانی روحانی جدید در حوزه حیات مرگ قدیسان مذهب شیعی
- نیایش پروردگار و ادای احترام به امام حسین(ع) و شهیدان کربلا (به‌طور جمعی)
- اعتقاد به ظهور رسیدن حادثه ناگواری در صحرای کربلا با دستاورد عزت دینی

اختیار و اراده انسان در خیر و شر وجود

- معرفت به دو نیروی خیر و شر
- باور به رستگاری در روز قیامت با حکومت خیر و غلبه بر شر
- حضور و مشارکت در سرنوشت قهرمانان روحانی خداگونه برای ارتقای اراده به سوی خیر

نمودار ۳: پیام‌های منتج از تعاملات در آیین نخل‌گردانی

(طراحی و تنظیم نمودار بر اساس نتایج پژوهش توسط نگارندگان مقاله)

## فهرست منابع

۱. الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش، ۱۳۷۶.
۲. \_\_\_\_\_، در آمدی بر اسطوره‌شناسی مرگ: جهان اسطوره‌شناسی (۳)، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز، ۱۳۷۹.
۳. بلوک‌باشی، علی، نخل‌گردانی؛ نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۴. \_\_\_\_\_، تعزیه‌خوانی حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۵. \_\_\_\_\_، در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگریستن، تهران: گل آذین، ۱۳۸۸.
۶. دابلیو کولتتر، جان، ارتباط‌گفتاری میان مردم، ترجمه دکتر سید اکبر میرحسینی و دکتر قاسم کبیری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۷. دامود، احمد، بازیگری و پرفرمنس آرت، تهران: مرکز، ۱۳۸۷.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۳، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۳.
۹. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نی، ۱۳۸۱.
۱۰. گوستاو یونگ، کارل، چهار صورت مثالی (مادر، ولادت مجدد، روح و مکار)، ترجمه پروین فرامرزی، تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴.
۱۱. یارشاطر، احسان، تعزیه و آیین‌های سوگواری در ایران قبل از اسلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.